



تنش‌های روسیه و ایران در دیرالزور

به قلم الرفاعی غُلا، علی علیلی

۳ سپتامبر ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ English

العربية

درباره نویسنده



الرفاعی غُلا

غُلا الرفاعی هموند برنامه گدالذ انستیتو واشنگتن در زمینه سیاست عربی است

علی علیلی

علی علیلی کارشناس سوری است و کارش بر تحرکات امنیتی و حاکمیتی در مناطق شمال شرق کشور متمرکز است. او موسس و مدیر اجرایی پایگاه خبری مستقل دیرالزور ۲۴ (DeirEzzor24@) است.



تحلیل کوتاه

برای جلوگیری از گسترش نفوذ این دو رقیب در شرق سوریه ائتلاف باید از تفرقه نهفته میان آن‌ها بهره‌برداری کند شرکای خود را در منطقه توانمند سازد و پیوندهای محکم‌تری با دست‌چینی از رهبران قبیلای و محلی برقرار کند

هم در این اواخر و هم در ماه‌های قبل نیروهای ایرانی و روسی در شرق سوریه گام‌هایی برداشته‌اند که بیش از آن‌که نشان از تمایل‌شان به مواجهه با نیروهای تحت رهبری آمریکا باشد حاکی از رقابت‌شان با یکدیگر در این منطقه است. در غرب رود فرات دو حوزه نفوذ شکل گرفته است: بخش شمالی استان دیرالزور به دست عواملی از ارتش بشار اسد اداره می‌شود لشکر چهارم و سپاه پنجم که تحت کنترل روسیه است درحالی که نواحی جنوبی میادین و البوکمال به شکلی فزاینده به کنترل نیروهای ایرانی و نیروهای نیابتی‌شان درمی‌آید که شبه‌نظامیان شیعه هستند. اگر آمریکا نیروهای بیشتری را از شرق سوریه خارج کند این رقابت ایران و روسیه می‌تواند به برخوردهای مسلحانه و مسابقه برای انحصار «غنایم جنگی» آن سوی رود فرات ختم شود گرچه بعید است منافع متقابل‌شان در حفظ رژیم اسد تحت تاثیر قرار گیرد.

رقابت بر سر دیرالزور

در اوت ۲۰۱۷ بازیگران متعددی همزمان به سمت دیرالزور حرکت کردند تا «خلافت» محلی داعش را از بین ببرند و نواحی تحت کنترل خود را گسترش دهند. ائتلاف به رهبری آمریکا نبرد خود را در شرق فرات پیش بُرد درحالی که روسیه ایران و رژیم اسد از غرب پیشروی کردند.

با پیشرفت این عملیات رژیم اسد از طریق اداره اطلاعات نیروی هوایی ارتش سوریه پلیس نظامی (دژبان) ارگان‌های دفاعی محلی و ملی و شبه‌نظامیان لواءالقدس به تدریج کنترل امور اداره محل را در دیرالزور دوباره به دست گرفت. با این حال تلاش رژیم برای تثبیت کنترل در روی زمین محدود بود. در عوض به «نیروهای دفاع ملی» سوریه که نیروی جنگ نامنظم است اجازه داده شد در سراسر منطقه جولان دهند و علاوه بر ارتکاب جنایات جنگی و نقض حقوق بشر به غارت و تصرف اموال غیرنظامی دست بزنند.

در مارس ۲۰۱۹ وقتی داعش آخرین بخش از قلمرو خود را از دست داد موضع رژیم در این منطقه کماکان ضعیف باقی ماند. به ویژه با توجه به آن که نیروهای اسد هنوز بر جبهه ادلب در غرب سوریه متمرکز بودند. در نتیجه فضایی برای رقابت ایران و روسیه بر سر منابع و زمین در شرق بروز کرد.

در همین تابستان با توجه به مانورهای متعدد رژیم و نیروهای روسیه به نظر می‌رسید تهران دست برتر را در این رقابت کسب کند. در ماه جولای دمشق لشکر چهارم را از قرارگاه‌های خود در میادین بیرون کشید و سپاه پنجم را تماما از استان دیرالزور خارج کرد و آن‌ها را به منطقه رقه منتقل کرد. نیروهای دولتی ظاهرا قصد دارند در ماه‌های آینده بیشتر بخش‌های دیرالزور را ترک کنند و در شهرهای اصلی متمرکز شوند. گرچه اسد نمی‌خواهد نفوذ خود را در این استان از دست بدهد. ظاهرا با توجه به واقعیات روی زمین هدف نهایی خود را که بازگشت با تمام قواست به تاخیر می‌اندازد. یعنی به خاطر نیاز به حفظ تمرکز یگان‌های نظامی اصلی‌اش برای نبرد نهایی بر سر ادلب و این واقعیت که نیروهای شکنند او در شرق تحت حمایت مالی روسیه و ایران قرار دارند و بنابراین تابع آن دو نیرو هستند.

تسلط روزافزون ایران

دیرالزور ناحیه‌ای کلیدی برای ایران است. تهران از طریق سپاه پاسداران دنبال این بوده که خود را در این منطقه مستقر سازد و با ارائه مشوق‌های مادی و کمک‌های بشردوستانه از جمله خدمات پزشکی آموزشی و فرهنگی جوانان محلی را به نفع خود به خدمت بگیرد. سپاه به ویژه سعی کرده نظر مساعد شیعیانی را که در این ناحیه عمدتا سنی‌نشین زندگی می‌کنند جلب کند. هزاران نفر از مردم محلی به این ترتیب به خدمت شبه‌نظامیان درآمده‌اند و تبلیغات دینی ایران به قصد تغییر مذهب مردم در این استان کماکان رو به افزایش است. تهران برای جلب حمایت نخبگان و فتح دل و جان تعداد بیشتری از جوانان محلی از رجال و رهبران قبیله «البقاره» و شبه‌نظامیان «ارتش عشایری» حمایت‌های مالی می‌کند. در عوض این شخصیت‌ها اغلب با ارائه حمایت اطلاعاتی و امنیتی حرکات نیروهای ایران و نیروهای نیابتی آن را تسهیل می‌کنند.

علاقه شدید ایران به این ناحیه ناشی از تمایلش به پیوند دادن فعالیت‌ها و شبکه‌هایش از عراق گرفته تا شهر مرزی البوکمال سوریه و تمام مسیر غرب آن تا لبنان است. ایران برای کمک به تامین مالی عملیات‌هایش در سوریه به قاچاق سلاح مواد مخدر و تنباکو در هر دو سوی مرز عراق مشغول است. حضور ایران در سوریه حتی در مناطقی که نیروهای آمریکایی مستقرند پررنگ است. مثلا بزرگ‌ترین فوج شبه‌نظامیان و پرسنل ایرانی در دیرالزور روی یک خط تماس مستقیم با نیروهای آمریکایی قرار دارند که میدان نفتی کونوکو در آن نزدیکی را کنترل می‌کنند. روی هم رفته تقریبا یک‌هزار جنگجوی ایرانی به اضافه چندصد جنگجوی شبه‌نظامی خارجی دیگر از عراق و افغانستان در دیرالزور مستقر هستند.

ایران همچنین به دنبال جذب رهبران قبیله‌ای و محلی در مناطقی در شرق رود فرات است که تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه قرار دارد که از حمایت آمریکا برخوردارند. تلاش‌های ایران بعد از ترورشدهن شخصیت‌های مهم عشایر شدت گرفت. خصوصا وقتی شیخ مطشر الهفل و یکی از همراهان او از قبیله العقیديات در اوایل اگوست کشته شدند و اعتراضاتی علیه نیروهای دموکراتیک سوریه شکل گرفت.

نقش روسیه در تعادل منافع

در پی فروپاشی قلمرو داعش روسیه برای کنترل بخش‌هایی از دیرالزور در غرب فرات شتافت. از جمله برای کنترل چندین روستا که نیروهای سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان شیعه آنجا فعال هستند. اولویت اصلی روسیه کسب کنترل اماکن راهبردی از قبیل فرودگاه نظامی بود که حضورش را در فرودگاه‌ها/ پایگاه‌های بخش‌های دیگر سوریه (ابوظهور حمیمیم و قامشلی) تکمیل می‌کرد.

روسیه در برابر افزایش قدرت ایران در دیرالزور به طور کامل مقاومت نکرده که این شاید برای به تعویق انداختن مناقشات داخلی در همکاری محوری‌اش با دمشق و تهران باشد. ولی نشانه‌هایی از مواجهه احتمالی در چشم‌انداز دیده می‌شود. روسیه در ازای خدمات خود به عنوان «منجی» اسد در پی کارزاری بلندمدت برای گسترش نفوذ خود در سوریه است و غالبا حضور ایران و فعالیت‌های آن را تابع این کارزار نشان می‌دهد. در ماه آوریل روسیه دست به یک عملیات گشت در منطقه میادین زد تا ظاهرا به شبه‌نظامیان ایران علامت دهد که به دنبال کنترل منابع نفتی جنوب شهر مثل میدان الورد است. مسکو همچنین قصد دارد نفوذ تهران را در بخش‌های جنوبی‌تر و در البوکمال که جنگجویان نیابتی لشکر فاطمیون و کتائب حزب‌الله آنجا فراوانند محدودتر کند.

این‌گونه تنش‌ها می‌تواند در آینده به نبرد فعال تبدیل شود و حتی ممکن است همین حالا هم شده باشد. بنا به گزارش فعالان محلی و رهبران قبایل ایران روسیه را به بمباران فرارگاه‌ها و مواضع نظامی‌اش در البوکمال متهم کرده است. ضمناً مواضع روسیه و ایران در دیرالزور هدف چندین حمله ناشناس قرار گرفته و همین موجب بی‌اعتمادی بین دو طرف شده است. بدگمانی مسکو از اوایل ۲۰۱۷ آغاز شد یعنی زمانی که ژنرال‌های صاحب‌نامی تحت حمایت روسیه در ارتش سوریه (مثل عصام زهرالدین و سهیل الحسن ملقب به «ببر») هدف قرار گرفتند.

رشته حملات نظامی ادامه‌دار اسرائیل علیه اهداف ایرانی و حزب‌الله در سوریه هم باعث تشدید این تنش‌ها شده است. ایران در دیرالزور هنوز نسبتاً آزادانه عمل می‌کند و از بلندپروازی‌هایش در آن‌جا نکاسته ولی حملات پرشمار علیه نیروهای این کشور و جنگجویان نیابتی‌اش ایران را وادار کرده تا گهگاه مواضع خود را تغییر دهد و هزینه‌های نظامی زیادی را متحمل شود. روسیه اگر اراده کند توانمندی جلوگیری از حملات اسرائیل را دارد ولی چشمش را به روی این حملات احتمالا با هدف کاهش نفوذ ایران بسته است. نیت مسکو از واکنش نشان ندادن در این جبهه هر چه باشد تنش‌ها را با تهران افزایش داده است.

یکی دیگر از اقدامات تحریک‌آمیز احتمالی تلاش اخیر روسیه برای جذب جنگجویان سوری از شبه‌نظامیان ایرانی و از طریق مشوق‌های مالی است. تهران تا حدی به خاطر تحریم‌های آمریکا نمی‌تواند دستمزدهای بالایی به این اعضای شبه‌نظامی پرداخت کند. بالاترین نرخ محلی حدود ۸۰ هزار پوند سوری در ماه یا کمتر از ۵۰ دلار آمریکاست. (توجه کنید که نرخ تبدیل رسمی سوریه معمولاً دقیق نیست چون رژیم نمی‌خواهد نشان دهد که پوند چقدر سقوط کرده است. رقم فوق بر مبنای گفت‌وگو با افراد محلی ارائه شده است.)

پیامدها برای سیاست‌گذاری

ائتلاف آمریکا در شرق فرات احتمالاً تحولات مهمی را که به رهبری رقبای ایالات متحده در آن سوی فرات جریان دارد نادیده می‌گیرد. این اشتباه است چرا که روسیه و ایران هر دو دنبال ایجاد پیوندهای عمیق‌تر با افراد محلی و نهایتاً گسترش حضورشان به سمت شرق هستند.

آمریکا برای جلوگیری از این پیامد باید از اختلاف نهفته بین تهران و مسکو بهره‌برداری کند. از جمله با کمک به نیروهای دموکراتیک سوریه و طوایف متحد آن‌ها برای جلوگیری از نفوذ ایران در شرق فرات با تشدید اقدامات امنیتی. مقامات ائتلاف و شرکای آن‌ها در این میدان همچنین باید به رهبران طوایف و جماعت‌های دیگر محل که وفاداری فرقه‌ای یا سیاسی به ایران ندارند نزدیک‌تر شوند. بدون چنین اقداماتی هر گونه خروج نیروهای آمریکا به روسیه و ایران امکان خواهد داد تا سریعاً حضور خود را در جناح شرقی گسترش دهند و در این فرایند فرصت‌های بیشتری برای داعش ایجاد کنند تا با استخدام کادر جدید شورش خود را احیا کند.

**معلم الرفاعی هموند برنامه‌گیدولد برای سیاست عربی در انستیتو واشنگتن است. علی‌علیلی کارشناس سوری است و کارش بر تحرکات امنیتی و حاکمیتی در مناطق شمال شرق کشور متمرکز است. او موسس و مدیر اجرایی پایگاه خبری مستقل دیرالزور ۲۴ (@DeirEzzor24) است.*



نمایش/چاپ پی‌اچ‌دی/آف

همرسانی در شبکه‌های اجتماعی

SHARE THIS



آگاه‌سازی با پست الکترونیک



Sign Up



RECOMMENDED

BRIEF ANALYSIS

Will Turkey Help Washington If Russia Invades Ukraine?

ژانویه ۲۰۲۲

Soner Cagaptay



تحلیل کوتاه

تحلیل اطلاعات فنی ساختگی شبه‌نظامیان در مورد حمله پهپادی V نوامبر

۲۵ ژانویه ۲۰۲۲

انور الزمانی،
مایکل نایتر



BRIEF ANALYSIS

Saad's Sad Goodbye: Hariri Leaves Lebanese Politics

ژانویه ۲۰۲۲

David Schenker

TOPICS

نظامی و امنیتی

REGIONS & COUNTRIES

سوریه ایران

بهروز بمانید

SIGN UP FOR EMAIL
ALERTS



THE
WASHINGTON INSTITUTE
for Near East Policy

19th Street NW - Suite 500 1111
Washington D.C. 20036
Tel: 202-452-0650
Fax: 202-223-5364

[تماس](#)
[اتاق خبر](#)
[Subscribe](#)

هدف انستیتو واشنگتن، تعمیق درک متعادل و واقع‌بینانه از منافع آمریکا در خاورمیانه و نیز پیشبرد سیاست‌هایی برای حفظ آن منافع است.

انستیتو واشنگتن یک سازمان غیرانتفاعی دارای مجوز 501(c)3 است که تمامی کمک‌های مالی به آن شامل معافیت مالیاتی خواهد شد.

[در باره انستیتو واشنگتن](#) /
[پشتیبانی از انستیتو](#)



© 2022 کلیه حقوق محفوظ است

[استخدام](#) /
[حریم خصوصی](#) /
[حقوق و مجوزها](#)